



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۵۵۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

نوجوان
بازار

اندر خصایص بومرنگ

یک سوال دو گزینه‌ای؛ بگویید ببینم آدم باید اول از همه برای خودش دعا کند یا بقیه؟

بقیه؟ نه خیر! اتفاقاً باید اول از همه برای خودش دعا کند. اما چه دعایی؟

آن دعای اولی که باید برای خودش بکند همان طلب بخشش و استغفار است که مثل یک جاروبرقی گیر و گرفت‌های راه آسمان را برای بالا رفتن بقیه دعاها پیمانه باز می‌کند. حالا آدم باید برای کی دعا کند؟ بارک!... بقیه و اول از همه هم خانواده و نزدیکان! چرا؟ چون دعا شبیه بومرنگ است؛ تا دوستی برای خودت چسبیده باشی اش پرواز نمی‌کند اما هر قدر که دورتر پرتابش کنی، می‌رود آسمان را دور می‌زند و آخرش هم برمی‌گردد مستقیم پیش خودت! در دعا هم اگر فقط برای خودت چیزی بخواهی جای دوری نمی‌رود اما اگر بقیه را دعا کنی هر چی آرزوی خوب است مال تو هم می‌شود؛ چون خدا از این کار بنده اش خیلی کیف می‌کند و علاوه بر این که دعایش را در حق بقیه مستجاب می‌کند، حاجت خودش را هم نگفته می‌دهد. مخصوصاً برای معصومین و امام زمان خیلی دعا کنیم چون این طوری آنها هم دعايمان می‌کنند و چه‌ها که نشود از دعایشان.



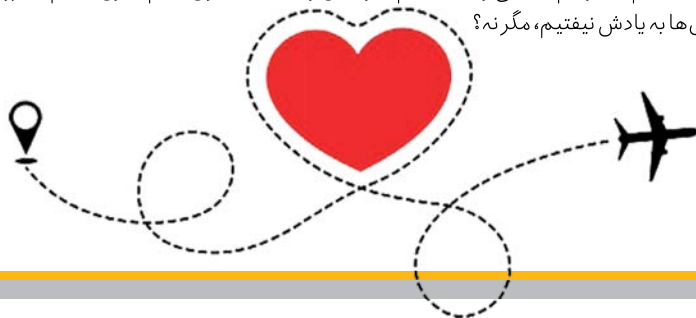
رسم عاشقی

آدم گاهی وقت‌ها می‌نشیند با خودش حساب و کتاب کند می‌بیند خدایا طاعات و عبادات درست و حسابی که ندارم، نماز و روزه‌هایم را هم که سرجمع زیر و رویشان کنی دوزار نمی‌ارزد، آن قدر هم تا به حال خراب کرده‌ام که به قول شاعر آن قدر که بستم و شکستم توبه فریاد برآورد ز دستم توبه!

پس دلم به چی خوش باشد؟

این طور موقع‌ها فقط پاسخ یک سوال همه معادلات را تغییر می‌دهد؛ خدا می‌گوید همه اینها به کنار، بگو ببینم علی (ع) را چقدر دوست داری؟

اینجای کار، ماجرا فرق می‌کند، اینجا حکایت، حکایت عاشقی است؛ خدا چون عاشق امیرالمومنین است با عاشقانش هم یک جور دیگری تا می‌کند. روایت داریم که نماز و روزه دست و پا شکسته دوستدار علی (ع) هم قبول است، دعایش هم قبول است، عبادت‌هایش هم قبول است. خدا عاشق که می‌شود این طوری عاشقی می‌کند. اما از آن طرفش هم هست، ما هم اگر ادعا می‌کنیم عاشقیم باید رسم عاشقی را بلد باشیم، خودمان را شبیه معشوق کنیم، کاری نکنیم که آزرده شود، فقط وقت بلا و گرفتاری‌ها به یادش نیفتیم، مگر نه؟



تایید صلاحیت

از زمان و مکان و هوا و روزگار که بگذریم، خود دعایی هم که می‌کنیم باید یک سری ویژگی‌ها داشته باشد که صلاحیتش برای استجابات تایید شود.

اول از همه این که معقول باشد؛ یعنی این که اگر تا فردا صبح هم با آداب و تفضیل بنشینم و دعا کنی که خدایا خورشید به جای مشرق از مغرب طلوع کند، غیر از نگاه متعجب ملائکه احتمالاً چیزی نصیبت نمی‌شود.

دوم این که دعا باید درخواست یک چیز حلال باشد؛ مثلاً خنده دار است آدم دعا کند خدایا کمک کن من فردا بتوانم از این بانک دزدی کنم قریه‌الی!...

سوم هم این که آن خواسته به صلاح مان باشد که البته این سخت‌ترین جای کار هم هست چون باید باور کنیم خدا خیر ما را بهتر از خودمان می‌داند و بدمان را نمی‌خواهد پس بیش از حد روی یک چیز پافشاری نکنیم.

خلاصه‌اش این که خیال‌مان راحت باشد که دعا از سه حالت خارج نیست؛ یا عیناً برآورده می‌شود، یا خدا همین دنیا بهترش را می‌دهد، یا این که نگه می‌دارد در آخرت یک طوری جبران می‌کند که آرزو کنیم کاش هیچ‌کدام از دعاها پیمان توی دنیا برآورده نمی‌شدند.



را دعاها ایمان قبول نمی‌شود؟

را می‌شنوی؟

خاصی می‌گیرد، اصلاً مثل این که آسمان یکی دو پله پایین تر خودش دستت را بگیرد. خدایی که اسم‌هایش را که می‌خوانی به خودش می‌گوید شنونده دعا، می‌گوید مرا صدا کنید، از من برای خودش دارد که چطور دعايمان برود برسد به سقف



رماه می‌شود!

سوز تو کارها بکند / دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند» یک دعای حوالی ۵ بعد از ظهر!

به مکانی دارد دعا هم یک وقت‌هایی بیشتر اثر می‌کند، مثلاً دعايمان بیشتر به دل خدا می‌نشیند.

را آفریده که سر آدمیزاد خلوت شود و توی همان سکوت زند، خدا هم با شش دانگ وجود با عظمتش گوش کند که ستند که یک طور ویژه‌ای خاص اند! آنقدر که اصلاً هزار ماه را می‌شود همین طور تا سحر به زمین نگاه می‌کند و می‌پرسد: رده که بپذیرم؟ آیا کسی شرمنده آمده که ببخشم؟

به شب مادر دارد. مخصوصاً یاد تیرود که گفته اند شأن و منزلت انداز همه آن شب‌ها از گناهان انسان بخشیده می‌شود.

خانه!

اثر دارد، بعضی مکان‌ها هم هستند که انگار آسمان شان مخصوص تر! همین است که این طور جاها که می‌خواهیم می‌گویند و لیست حوایج شان را لای کوله بار سفرمان و اولما، حرم‌های معصومین و امامزاده‌ها، مکه، مدینه،

امیران توست؛ هر درخواستی که می‌کنی صاحب خانه

هم به تو می‌دهد.

نیرد، جمع‌های مومنانه است. یعنی آدم‌ها دسته جمعی

بیشتر از یک سال است مسجد و زیارت که هیچ، دور

امسال دعا کنیم که بشود باز دور هم دعا کنیم نه...؟